



نشریه ماهانه:
3rd Series, Issue 81
سری سوم، شماره 81
April 2020
اردیبهشت 99

سردبیر: مینو همتی
Editor-in-chief: Mino Hemati
Email: minohemati@gmail.com
مدیرمسئول: شراره رضایی
Managing editor: Sharareh Rezaei
Email: shararehrezaei.p@gmail.com



گرامی بادیک می روز جهانی کارگر



مطالب
اول مه، بحران کرونا، زنان کارگر در ایران
شراره رضایی
آشنا دانمی و گلرخ ایرایی را آزاد کنید جان زندانیان
در خطر ابتلا به بیماری کروناس
نقض آشکار حقوق بشر با محبوس
نگهداشتن زندانیان در بحران کرونا
فریبا مرادی پور
بیاتیه مشترک فدراسیون بین المللی جامعه حقوق
بشر و درخواست آزادی زندانیان عقیدتی در ایران
سفر بی سرانجام
سحر بابا سلجی
قرنطینه (قسمت دوم)
فرخنده آشنا
طنز از:
نیلوفر
وضعیت حقوق بشر در ایران
مرضیه آدمی
ستون آزاد
وضعیت بهاییان در ایران
امیر حسین مقدم
نقاشی اول ماه می
کاری از: مریم (رونیا) رضایی گیوی



صفحه ی خبری
● در استقبال از اول ماه مه در سقر
● عفو بین الملل: ایران و عربستان سعودی،
رکورددار اجرای حکم اعدام در خاورمیانه
در سال ۲۰۱۹
● نقاشی اعدام
کاری از: مریم (رونیا) رضایی گیوی
● بیاتیه جمعی از فرهنگیان اصفهان در رابطه
با اخراج معلم آزاده محمد حبیبی
● اشکان جوانی که به تنهایی برای مقابله با
کرونا برخاسته است
● یادداشت ماری محمدی محکوم به زندان و
شلاق " ما همچنان ایستاده ایم!"

به نشریه رهایی زن بپیوندید

برای نشریه رهایی زن مطلب و مقالات "اجتماعی، حقوق، روانشناسی، جامعه شناسی، بهداشتی، تجارب و گزارش های شخصی. از زندگی زنان (خودتان) و کودکان...، شعر، اخبار، گزارش، ترجمه، معرفی کتاب و فیلم های خود را می توانید به آدرس ایمیل های زیر ارسال کنید.
Markazi@RahaiZan.org

اول مه، بحران کرونا، زنان کارگر در ایران

شراره رضایی



به اول ماه مه، روز جهانی کارگر نزدیک می شویم. درحالیکه هر سال وضعیت کارگران بدتر و بدتر می شود و خانواده های کارگری در فقر و فلاکت بیشتری فرو می روند. در این بین زنان کارگر وضعیتی به مراتب اسفناک تر از قبل را تجربه می کنند.

در چند سال اخیر، با رکود اقتصادی، فشار بر کارگران بیشتر شده و هر روز بر تعداد کارگر بیکار افزوده می شود و در این شرایط، زنان نیرو کارگری ارزان قیمتی هستند که با نازل ترین دستمزد، در کارگاه های کوچک و بزرگ از مونتاژ قطعات الکترونیکی تا بسته بندی مواد خوراکی، پوشاک، عروسک سازی و تولید البسه مورد بهره کشی مضاعف تری از مردان کارگر قرار می گیرند. نیروی کار کارگران زن توسط کارفرمایی که سودهای کلانی به جیب می زند، به ناچیزترین بهایی خریداری می شود و اگر شانس این را هم نداشته باشند که بتوانند نیروی کارشان را به کارفرما بفروشند به خیل دستفروشان، ارائه ی خدمات تمیزکاری خانه ها و تن فروشی روی می آورند.

زنان با ورود به محیط های کار، باید با سنت و فرهنگ مردسالاری در محیط های کارگری و سوء استفاده های جنسی تا تبعیض های جنسی قانونی و "غیر قانونی" و نابرابری دستمزدها دست و پنجه نرم کنند و گویا وارد یک میدان جنگی می شوند که همه ی سلاح ها آماده ی شلیک به سمت آنهاست و یک تنه یا باید زیر تمام این فشارها دوام بیاورند و یا به فقر و فلاکت تحمیل شده تن بدهند.

مدیرعامل یونیسف می گوید: "زنان اکثریت جمعیت فقیر دنیا را تشکیل می دهند و به عبارتی فقر تجربه ای جنسیتی است. در

حالت عادی، در کشورهای توسعه یافته زنان بنا بر جنسیت شان دو برابر مردان در محرومیت هستند و از کمبود منابع از جمله مراقبت های بهداشتی، فرصت های نابرابر شغلی، تحصیل، اشتغال، عدم استفاده از امکانات و فرصت های اقتصادی و پیشرفت در مقایسه با مردان از دسترسی کمتری به این منابع برخوردار هستند."

به گزارش ایلنا بیکاری در زمستان سال ۹۶ به نسبت زمستان ۹۷ کاهش ۱،۷ درصدی داشته و به ۱۰،۶ درصد رسیده است و با وجود این در آخرین فصل سال ۹۸، ۱۴۵ هزار زن به نسبت فصل مشابه سال قبل از آن بیکار شده اند. این تازه بخشی از آماری ست که از جانب رسانه های دولتی منتشر شده است و در واقع باید ابعاد این فاجعه را چند برابر دید.

وضعیت زنان کارگر در دوران کرونا و پسا کرونا

وضعیتی که به آن اشاره کردیم، تنها بخش بسیار کوچک از هزاران رنج زنان کارگر در زمان پیش از اپیدمی کرونا بود. اپیدمی کرونا حتی برای کشورهای قدرتمند اقتصادی، بعنوان یک چالش بزرگ تبدیل شده است و اقتصاد دانان نسبت به گسترش روز افزون تعداد بیکاران و گرسنگان در دوران کرونا و بویژه پسا کرونا هشدار می دهد. میتوان تصور کرد در کشورهای مثل ایران که دارای اقتصادی به بن بست رسیده، و فاسد است چگونه است!

شیوع این بیماری در ایران وضعیت زنان کارگر را هزاران برابر بغرنج تر کرده و می کند. تا همین الان، میلیون ها انسان در سراسر دنیا بیکار شده اند و زنان در این میان آسیب های جدی تری خورده اند و خواهند خورد. اولین قربانیان این بیکاری زنانی اند که با قراردادهای موقت، بدون برخورداری از کمترین بیمه های اجتماعی، در رشته هایی "غیر سودآور" مشغول به کاراند. رشته هایی که برای جبران خسارتهای مالی ناشی از رکود باز کرور کرور کارکنان خود را اخراج میکنند.

بنا به آمار رسمی دولتی حدود ۳ میلیون زن، سرپرست خانواده هستند. زنانی که یا همسر خود را از دست داده اند و یا از همسر خود جدا شده اند و یا همسرشان در اثر سانحه ی کار و یا بیماری، دیگر قادر به ادامه بردگی و استثمار توسط کارفرما نیست و از آنجا که آنها هم معمولاً به کارهای روزمزد مشغول بودند بدون حمایت دولتی و خدمات تامین اجتماعی یا بیمه ی بیکاری، رها شده اند.

دولت برای حل این معضل که بعنوان کمک به مستضعفان و محرومان و توانمندسازی آنها، کمیته ی امداد امام، در قالب یک موسسه ی خیریه ای، را تاسیس کرد که اکنون مستقیماً تحت نظر خامنه ای است. این کمیته با پول مردم از جمله پرداخت خمس و زکات و نذورات تامین می شود. در سال ۱۳۹۶ تنها در نیمه نخست سال ۹۶ بیش از ۱۵۳ میلیارد تومان در قالب صدقه به این نهاد کمک کرده اند.

این کمیته برای سرپوش گذاشتن به سود و درآمدهای کلانی که هر ساله دارد. تعدادی از زنان را تحت عنوان زنان سرپرست خانواده تحت پوشش خود قرار داد. که تنها سرسوزنی از آن سودهای کلان را بعنوان کمک هزینه ماهانه، برای هر فرد از یک خانواده 53 هزار تومان به زنان سرپرست

دولت هم با اجرای طرح دوران "حفظ فاصله‌ی اجتماعی"، اولین سرکوبش را از دستفروشان و کارگران فصلی شروع کرد. با توجه اینکه "دستفروشان ناقلان بیماری هستند"، دستفروشان و کارگران روزمزد، را مورد تعرض قرار داد. کارگرانی که مشمول قانون کار و بیمه بیکاری و ... نیستند، زندگی خود و خانواده شان را روزانه تامین میکنند و اگر روزی که کار کنند شاید بتوانند لقمه ای بر سر سفره هایشان ببرند و اگر کار نکنند باید سر گرسنه با بالین بگذارند برای این بخش از طبقه کارگر، با این درجه از محرومیت از همان چندرغاز بیمه بیکاری و بیمه های اجتماعی فراخوان دولت به "برای حفظ جان خود در خانه بمانید" به معنی مرگ خانواده های کارگری بر اثر گرسنگی است. فراخوان خامنه ای در "کمک رسانی مومنانه" و "کمک به خانواده های بی بضاعت" و توزیع بسته های غذایی در محلات کارگری اگر شکمی را سیر کند در عوض تعرضی و قیحانه به حرمت و کرامت کارگرانی است که در سخت ترین شرایط و عدم برخورداری از امکانات برای تامین زندگی خود و خانواده شان کار میکنند.

زهرای یکی از دست فروشانی است که هر روز از شهرک اندیشه به تهران می آید تا کار کند. همسرش کارگر ساختمانی بوده که به دلیل حادثه در حین کار از داربست سقوط کرده و بیش از ده سال است که خانه نشین شده و از کار افتاده است. به دلیل اینکه کارگر ساختمانی بوده بیمه نداشته و کارفرما هم از او حمایتی نکرد. حالا زهرا باید مخارج دودختر دانشجو و شوهر بیمار و خودش که یک خانواده ی چهار نفری هستند رل به تنهایی تامین کند. او می گویند: "دو روز خانه نشینی برای ما به معنای یک هفته گرسنگی است. و اضافه می کند در شرایط فعلی از وقتی حرف این ویروس جدید شده، بیشتر از قبل مأمورها به ما گیر می دهند. ما می گویند بارتان را جمع کنید و بروید. اما آنها نمی گویند اگر برویم، خرج چند سر عائله چشم انتظار را از کجا بیاوریم؟ کرایه خانه را چطور جور کنیم و پول شهریه دانشگاه بچه هایمان را چه بکنیم". شعار "در خانه بمانید" برای زهرا و هزاران خواهر طبقاتی او زیادی لوکس و بی مایه است.

وضعیت زنان تن فروش در دوران کرونایی و پسا کرونا

شاید دردناک ترین و غم انگیزترین نوع استثمار و بردگی، استثمار جنسی ست. اگر

چه به ظاهر تن فروشی در ایران غیرقانونی است و هرگز حکومت ایران آماری از این کارگران جنسی ارائه نداده است. اما وجود کارگران جنسی که زنان بخش اعظم آنرا تشکیل میدهند، قابل انکار نیست. گزارش های خبرنگاران مستقل، از حضور و آمار بالای زنان تن فروش در خیابان های خاص هرشب خبر می دهند که نمی توانند چشم بر آن بست.

تورم، بیکاری، مخارج بالای هزینه های زندگی، عدم تحصیلات کافی، عدم فرصت های برابر برای یافتن کار، افزایش تعدیل نیروها، دستمزدهای پایین به تبع تبعیض جنسی، همه اینها زنان را به سوی تن فروشی سوق می دهد و هرچقدر که هر سال وضعیت اقتصادی و رفاهی جامعه کمتر و کمتری شود و تعداد این زنان رشد صعودی و میانگین سنی تن فروشان دائما کاهش می یابد. طبق گزارش ها میانگین سن تن فروشی به ۱۲ سال کاهش یافته است.

اگرچه همیشه زنان تن فروش در معرض خطر جدی ابتلا به انواع بیماری ها هستند. اما در دوران کرونا زده دنیا، وضعیت شان را از آنچه که فکر کنیم خطرناک تر کرده است. هم به لحاظ اینکه در معرض خطر جدی مبتلا شدن به بیماری کرونا هستند که از سوی دولت نادیده گرفته شده اند، تحت پوشش های بهداشتی، پزشکی و دارویی قرار نمی گیرند و زندگی شان ده ها برابر بیشتر در معرض خطر و آلودگی قرار دارند. علاوه بر این معضل جدی دیگر این زنان، بیکاری و فرو رفتن در فقر مطلق است.

زنایی که علاوه بر عدم برخورداری از حقوق و خدمات اجتماعی، زیر فشار فرهنگ عقب مانده و اسلامی یا از خانواده طرد شده و در جامعه بعنوان "وصله های ناجور" و

"مجرم" مورد تحقیر و بیحرمتی قرار میگیرند.

قابل پیش بینی ست که پس از پایان کرونا، با توجه به تعیین دستمزدهای زیر خط فقر کارگری و افزایش فقر و فلاکت میلیون ها کارگر و خانواده ها، قطعا شاهد افزایش جهشی روی آوری به تن فروشی خواهیم بود که با بی مسئولیتی و بی تفاوتی دولت عواقب وخیمی را می توان تصور کرد.

چه باید کرد

آنچه که در این دوران کرونایی در جامعه ایران خودنمایی کرد. رشد کمیته های محلات در شهرهای مختلف بود. جوانان با به راه انداختن کمیته هایی در مقابل حاکمیت بی عرضه و بی مسئولیت و چپاولگر دست به تمهیداتی جدی در مبارزه با کرونا زدند. جوانانی که به پشتوانه ی مردمی و هم محله ای هایشان از ضد عفونی کردن محلات تا کمک به سالمندان و ... در برنامه ی روزانه شان قرار گرفته است.

کرونا فقر و تبعیض و نابرابری موجود در جامعه را عمیقتر و گسترده تر کرده و چهره کریه نظام سیاسی-اقتصادی حاکم، گنبدی حکومت سیاه اسلامی و تناقض آنرا با زندگی و سعادت زنان عریانتر کرد. امروز تامین زندگی و تضمین سلامتی شهروندان جامعه، بویژه زنان کارگر بعنوان یکی از ضعیفترین و ضربه پذیرترین بخشهای طبقه کارگر اولین وظیفه حاکمیت است. این حداقلی است که امروز باید از حلقوم حاکمان بیرون کشید. کرونا شاید در جدال طبقه کارگر و بورژوازی حاکم، جدال جنبش رهایی زن و حاکمیت ارتجاع اسلامی وقفه ای انداخت، اما قطعا بر خشم و نفرت برای پیروزی در جدال و تسویه حساب نهایی و عزم برای رسیدن به جامعه ای آزاد و برابر و مرفه را صد چندان کرده است.



آسمادانی

و گلرخ ایرانی را آزاد کنید

جان زندانیان در خطر استلاب

کروناست

نقض آشکار حقوق بشر با محبوس نگه داشتن زندانیان در بحران کرونا

فریبا مرادی پور



سال ۱۳۹۹ در حالی آغاز شد که جهان با همه گیری و مرگ و میر ناشی از عفونت ویروسی کرونا در حال دست و پنجه نرم کردن است. کشورهای دنیا تدابیر مختلفی برای کاهش ابتلا و مرگ ناشی از این ویروس کشنده اندیشیده و اجرا می کنند تا آحاد و اقشار مختلف جامعه را از ابتلا به این عفونت ویروسی مصون نگه دارند؛ از جمله گروه های در معرض خطر زندانیان هستند که در بسیاری از نقاط دنیا با اعطای مرخصی سعی در کاهش ریسک خطر ابتلای این گروه شده است. در جمهوری اسلامی ایران نیز قوه قضاییه اعلام کرده با مرخصی حدود 70 هزار نفر زندانی موافقت شده است اما متأسفانه نه این مرخصی و نه "عفو نروزی" ایت الله خامنه ایی هیچکدام شامل زندانیان موسوم به زندانیان امنیتی نشده است و قوه قضاییه با برچسب "امنیتی" به بسیاری از زنان زندانی و زنان فعال حقوق بشر از اعطای مرخصی به آنان خوداری می کند. زندانهای ایران از سطح بهداشت بسیار پایینی برخوردار هستند و اعزام پزشکی زندانیان جهت درمان در خارج از محیط زندان همواره ابزاری برای اعمال فشار بر علیه زندانیان بوده است. در جریان اعطای مرخصی به زندانیان موسوم به سیاسی و عقیدتی و امنیتی بنا بر عقیده فعالان حقوق بشر تنها گروه اندکی از آنان که احکام کمتر از یکسال داشته اند مانند خانم شهناز اکملی و یا کسانی که قبل از شیوع ویروس کرونا مراحل آزادی یا مرخصی آنها با قرار وثیقه در حال پیگیری بوده مثل خانم ندا ناجی- از حق مرخصی بهرمنند شدند و گروه کثیری همچنان در محیط های بسته و آلوده زندانها با زندانیان مبتلا به ویروس کرونا در حبس بسر میبرند. افزایش مبتلایان به این ویروس با توجه به

محیط بسته زندان، تراکم بالای جمعیت و کمبود امکانات بهداشتی و درمانی، جان بسیاری از زندانیان را تهدید می کند و تاکنون خبرهایی مبنی بر فوت زندانیان در زندانهای قرچک ورامین و زندان ارومیه منتشر شده است.

دهها تن از زنان بازداشت شده در اعتراضات آبانماه دز زندان قرچک ورامین محبوسند و این در حالی است که در روزهای اخیر اخباری از ابتلای چند نفر از آنان به ویروس کرونا و نیز ابتلای چند زندانبان منتشر شده است لازم به ذکر است عده ایی از زندانیان قبلاً به بیماری گال هم مبتلا شده بوده اند.

آزار و اذیت و زهر چشم گرفتن قوه قضاییه از زنان کشور و نیز زنان فعال حقوق بشر در این ایام کرونایی شامل لیست بلند بالایی از زنان کشور است از جمله:

آتنا دائمی، فعال مدنی محبوس در زندان اوین، نه تنها از حق مرخصی محروم شده است که برای پرونده جدیدی در خصوص تحصن در حمایت از اعتراضات مردمی آبانماه 98 به شعبه 24 دادگاه انقلاب احضار شده است و این در حالی است که به دلیل وضعیت جسمانی وی، از چند ماه قبل پزشکان توصیه به بستری و درمان سریع داشته اند.

صبا کرد افشاری و نگین قدمیان از حق مرخصی محروم شدند و راحله احمدی مادر صبا نیز به دلیل نگرانی از وضعیت دخترش از حق مرخصی خود چشم پوشی کرده و در زندان مانده است.

نرگس محمدی که در زندان زنجان به سر می برد بعد از آمبولی ریه دچار ضعف سیستم تنفسی شده و به گفته خانواده، وی اکنون دچار مشکل تنفسی شده و سرفه های شدید و درد قفسه سینه دارد. این در حالی است که زندان زنجان در هفته های اخیر چندین مرتبه بخاطر حشره ساس سمپاشی شده و همین موضوع تنفس زندانیان را در اتاقهای بدون پنجره و تهویه زندان مشکل کرده است.

پریسا سیفی هنرمند کرد که در طی 100 روز بازداشت تحت شکنجه های شدید برای اعترافات اجباری قرار داشته و به همین دلیل هم دست به اعتصاب غذا زده و دچار ضعف جسمی و روحی شده است همچنان در حبس بوده و در این شرایط همه گیری کرونا حکم سه سال زندان به وی ابلاغ شده است.

نسرین ستوده و رضوانه خان بیگی با اعتراض به تعطیل نکردن بندهای زندان

اوین و محرومیت خود و بسیاری از همبندها از حق مرخصی در شرایط اسفناک کرونا در زندان دست به اعتصاب غذا زدند و پس از شکستن اعتصاب خود به مناسبت سال نو شمسی کماکان محبوسند.

مریم حمادی و سکینه صگور- که در حقیقت گروگانند تا شوهرانشان خود را به سیستم قضایی کشور تسلیم کنند- به همراه کودکان خردسال خود در شرایط غیر بهداشتی و ناایمن زندان سپیدار اهواز به سر میبرند. و هزاران زن بی نام و نشان دیگر که در زندانهای جمهوری اسلامی محبوسند و در حال حاضر حتی از تماس با خانواده ها و ملاقات نیز محرومند.

و اما در این دوران بسیاری از زندانیان خاص که عمدتاً جرایم مالی سنگین داشته و به اتهام اختلاسهای چندین میلیاردی و جلع اسناد و یا سوءاستفاده از قدرت و موقعیت و ارتشا در زندان بوده اند به دلیل وابستگی به حکومت و داشتن رانت و ژن خوب به مرخصی اعزام شده اند از آنجمله میتوان از حسین فریدون برادر رئیس جمهور یاد کرد که به جرم ارتشا و فساد مالی به گذراندن 5 سال حبس محکوم بوده و یا خانم شبنم نعمت زاده دختر وزیر سابق صنعت و معدن که به جرم اختلاس و اخلال در نظام اقتصادی به حکم 20 سال حبس در زندان به سر می برد. در بند 3 بخشنامه اعطای مرخصی به زندانیان آمده است:

" محکومان به حبس ابد و محکومان به بزه های کلاهبرداری، چک بلا محل بیش از ده میلیون ریال، جعل، استفاده از سند مجعول، اختلاس، ارتشا، سرقت، سرقت مسلحانه، جاسوسی، اقدام علیه امنیت کشور، دایرکنندگان مراکز فساد و محکومان به اجرای حدود الهی مشمول مفاد این بخشنامه نمی باشند."

چرا در شرایط همه گیری کرونا مختلسان اقتصادی که میلیاردها تومان به اقتصاد کشور ضربه وارد کرده اند علیرغم این بند از بخشنامه به مرخصی می روند ولی فعالان حقوق زنان به بهانه واهی "اقدام علیه امنیت ملی" و با انگ "زندانی امنیتی" همچنان باید در زندان بمانند؟

اعطای مرخصی به زندانیان نه لطف جمهوری اسلامی که حق مسلم هر زندانی است و هر زندانی اعم از سیاسی و غیر سیاسی و امنیتی و غیره واجد این حق است و جمهوری اسلامی نمی تواند از این حق به عنوان ابزاری برای سرکوب و ارباب و تهدید زندانیان استفاده کند که این مصداق شکنجه بوده و ناقض ماده 5 اعلامیه جهانی حقوق بشر است. همچنین ماده 7 این اعلامیه اعلام می کند:

"همه در برابر قانون برابرند و همگان سزاوار آند تا بدون هیچ تبعیضی به طور برابر در پناه قانون باشند. همه انسانها محق به پاسداری و حمایت در برابر هرگونه تبعیض که ناقض این «اعلامیه» است، می باشند و همه باید در برابر هر گونه عمل تحریک آمیزی که منجر به چنین تبعیضاتی شود، حفظ شوند"

از اینرو دست چین کردن زندانیان و اعطای مرخصی به گروه خاص و محروم کردن زندانیان موسوم به امنیتی و سیاسی، ناقض ماده 7 اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز هست و مرخصی از زندان همانقدر که حق حسین فریدون و شبنم نعمت زاده است حق همه زندانیان دیگر نیز هست. همچنین یادآوری می شود که مطابق ماده 25 این اعلامیه همگان سزاوار دستیابی به استانداردهای قابل قبول سلامتی و بهداشت هستند و محبوس نگه داشتن زنان و بخصوص مادران و کودکان در زندانها در شرایطی که جهان درگیر مبارزه نفس گیر و جدی با ویروس همه گیر و کشنده کروناست، ناقض این ماده اعلامیه و جنایت بر علیه محبوسان است. /

بیانیه مشترک فدراسیون بین المللی جامعه حقوق بشر و درخواست آزادی زندانیان عقیدتی در ایران

فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر و چند سازمان دیگر با انتشار بیانیهی مشترک زیر از دولت ها، سازمان های غیر دولتی، روزنامه نگاران، سازمان ملل و دیگر سازمان های بین المللی خواستند تا برای آزادی زندانیان عقیدتی شناخته شدهی نامبرده در فهرست زیر و نیز کلیهی زندانیان سیاسی دیگر به منظور نجات جان آنها بر دولت مردان ایران فشار وارد آورند.

ایران: زندانیان عقیدتی زن باید آزاد شوند؛ ویروس کرونا زندانها را فراگرفته است

در شرایطی که کووید ۱۹ جهانگیر شده است، ایران یکی از کشورهای است که قربانی زیانبارترین و مرگبارترین موارد وقوع این ویروس در جهان شده است. هفتهی گذشته، مرکز پژوهش های مجلس ایران گزارشی را به قلم کارشناسان مستقل منتشر کرد که بنا بر آن آمار واقعی فوت ممکن است بیش از دو برابر آمار رسمی و آمار مبتلایان ۱۰ برابر آمار رسمی باشد [۱]. در صورت تایید این آمار، شمار مبتلایان در ایران بیش از هر کشور دیگری در جهان است. پژوهشی که در دانشگاه معتبر شریف در ایران انجام شده هشدار می دهد که آمار فوت، در بدترین سناریو، ممکن است به سه و نیم میلیون تن برسد [۲]. با وجود شرایط فاجعه بار در این کشور، دولت هفتهی گذشته کسب و کار را آزاد کرد و وضعیت عادی حمل و نقل عمومی را از سر گرفت. بیم آن می رود که این کار به موج تازه ای از ابتلا به ویروس دامن بزند. وضعیت در زندان های ایران حتی بدتر از این است. در ماه فوریه (بهمن) سازمان ملل در گزارشی نشان داد که شرایط غیر بهداشتی و پرازدحام زندان ها در ایران در همان زمان باعث گسترش بیماری های عفونی دیگر می شد [۳]. پیش از آغاز ماه مارس، کووید ۱۹ نیز به این فهرست اضافه شد [۴]. در همان زمان، امکانات پزشکی و نظافت در بند زنان زندان اوین، که شمار بزرگی از زندانیان عقیدتی زن در فضایی پر ازدحام و غیربهداشتی در آن به سر می پرند، به پایان رسیده بود [۵].

<https://fidh.org/25443>

Iran: Free female prisoners of conscience as coronavirus overtakes prisons

In this COVID-19 pandemic, Iran is suffering one of the most damaging and deadliest outbreaks of any country in the world. Last week, the Iranian parliament's research centre released a report, written by independent experts, asserting that the true death toll could be nearly double the official figures and the number of infections may be up to 10 times higher. [1] If confirmed, these numbers would make Iran the country with the highest number of cases in the world. A study by Iran's prestigious Sharif University warns that the death toll may rise to 3.5 million in a worst-case scenario. [2]

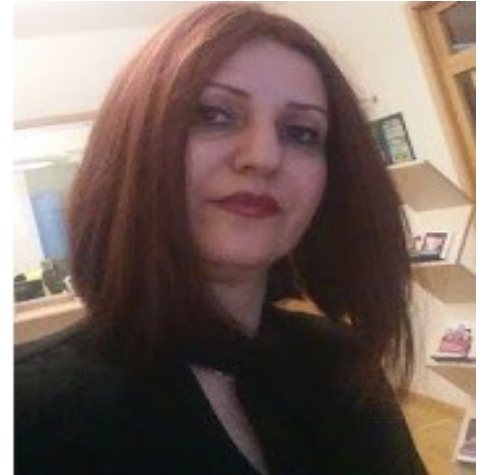
Despite the catastrophic situation on the ground, the government reopened businesses and resumed regularly scheduled public transportation last week—a move that is feared could spark a further wave.

The situation is even worse in Iran's prisons. In February, the UN released a report documenting how the unsanitary and overcrowded prison conditions in Iran were already causing the spread of other infectious diseases. [3] By the beginning of March, COVID-19 was added to the list. [4] At that point, the women's ward in Evin Prison, where a large number of the female prisoners of conscience are detained in cramped and unsanitary spaces, had already run out of medical and cleaning supplies. [5] These prisoners of conscience are confined to a room with 18 women and sleep on triple bunk beds with little space in between. They are at an even greater risk than the general prison population, as their wellbeing is already often compromised by torture, denial of medical treatment, other ill-treatment and their own hunger strikes. At least ten prisoners have reportedly died of the virus in Iran, [6] though the numbers cannot be verified as authorities have denied outside observers access to prisons. [7]

Continue reading:

<https://fidh.org/25441>

**سفر بی سرانجام
سحر بابا سلجی**



من بر آن شدم اشاره‌ای به مهاجرت داشته باشم. با توجه به مشکلات و مشقات زیادی که بعضا در کشور ایران وجود دارد از سالیان دور تا به الان شمار بسیاری از هموطنان بخاطر مشکلاتی اعم از بیکاری و بی پولی ویا مسائل امنیتی علیرغم میل خود مجبور به جلائی وطن شده و در سودای مهاجرت تلاش کرده که خود را به فراسوی مرزها برسانند به امید کار و زندگی بهتر در غربت تا بتوانند بر مشکلات خود فائق آیند،

در فراسوی مرزها برسند همچنین کمپ لیبوس در یونان مکانی شده است برای پناهجویانی که از ایران وسایر کشورها که به امید رسیدگی به پروسه پناهندگی خود هنوز پس از ماه‌ها انتظار در یونان کماکان در بلا تکلیفی روزگار میگذرانند و دولت و پلیس یونان نه تنها توجهی به آنان نمیکند بلکه بیشتر با سرکوب و ضرب و شتم و پرتاب گاز اشک آور سعی در متفرق کردن مردم دارد. این است تبعات نظام سرمایه داری در دنیا که کوچکترین عدالتی در آن وجود ندارد مردمی که دم از دموکراسی و آزادی بیان میزنند ولی در عمل از فراهم کردن آن سر باز میزنند بیشتر جامعه را به ورطه نابودی می‌رسانند چرا که انسانیتی در آن وجود ندارد.

کوتاه سخن اینکه من امیدوارم همه انسانها اعم از زن و مرد به برابری و عدالت دست پیدا کنند و آن دسته از مهاجرینی که به امید دستیابی به زندگی برتر و بهتر به کشورهای دیگر پناهنده میشوند به خواسته خود برسند. و کمیساریای عالی پناهندگان در این مهم به یاری مهاجرین مظلوم و ستمدیده بروند که ما شاهد این اخبار تکان‌دهنده مرگ این مهاجرین نباشیم./

که افسوس در این کوره راه سخت و طاقت‌فرسا که جان خود را در کف دست گذاشته و با علم به اینکه در راه پر خطری گام نهاده‌اند اگر خیلی شانس بیآورند و خود را به کشوری برسانند از طریق آب‌های ترکیه و مرز یونان به مقصد نهایی که اروپا هست وارد میشوند اما شوربختانه چه بسیار ایرانیان و اتباع افغان که در این راه نفسگیر و خطرناک جان میسپارند کما اینکه اخیرا 15 نفر اتباع افغان و بعضا ایرانی در میان برف و سرما گرفتار شده و مظلومانه دچار یخ زدگی و مرگ شدند. حدودا یک ماه پیش زنی از کردستان بنام چنور یونسی بعد از 3سال انتظار در کشور ترکیه و گرفتن پاسخ منفی در آبهای ترکیه به زندگی خود پایان داد که متاسفانه خودکشی ایشان یا اینکه به احتمال به قتل رسیدن وی هنوز در هاله ای از ابهام قرار دارد

مشخصا تمامی این حوادث ناگوار در راه مهاجرت به سایر ملل ریشه در پایه های متزلزل جامعه ایران و یا افغانستان میباشد چرا که این افراد هر کدام اگر در کشور خود دارای شغل و مأمنی امن بودند هیچگاه به فکر سفر ومهاجرت بی سر انجام نمی افتادند چه بسیار افرادی در ایران از گذشته تا حال بخاطر مسائل سیاسی و امنیتی مجبور به فرار از کشور شده اند. تا به خواسته هایشان

آمد.من پا هایم را روی زمین سفت کردم تا اگر ضربه ای زد نقش زمین نشوم.تا به من رسید يك سيلی محکم به صورتم زد.من تلو خوردم ولي نيافتادم.صبحي گفتم:عوضي پتیاره ايک بار ديگر به خواهرانمان بگويي "نگهبان" زبانت را از حلقومت در مي آورم .فهميدي؟بايد به اينها بگويي خواهر." من جواب دادم :اينها خواهر من نيستند.صبحي به نادري گفتم خواهر شما بفرمائيد بيرون.وقتي نادري رفت صبحي دستش را برد زیر چانه ام و سرم را بلند کرد .طوري که ميتوانستم از زیر چشم بند ته ريش اش را ببينم .صورتش را به صورتم نزديک تر کرد و گفتم : "اگر بخواهي قهرمان بازي در بياوري ميدهم برادران پاسدار کاري باهات بکنند که حرف زدن هم يادت برود." چادر مرا کشيد و تحويل نادري دادادامه دارد

به سازمان رهایی زن بپیوندید

مقالات و تجربیات خود را برایمان ارسال کنید و نشریات ما را برای دوستانتان ارسال کنید.

بودم خودم را کنترل کنم. صدای پا در راهرو آمد و ناگهان درب سلولم باز شد.نادري بود .گفتم:زود باش!چادر و چشم بند کن بيا بيرون."زد تو سرم و چشم بند را کشيد پايين تر. من هيچ نگفتم. نادري مرا کشيد و برد به طرف دفتر زندان.مرا بيرون دفتر نگه داشت.کوليوند (پاسدار مرد) از راه رسيد و چند مشت و لگد زد.اعتراض کردم که چرا ميزني؟نادري گفتم:"دائم در حال ورجه وورجه کردن در سلول است.صدا از خودش در مياورد.اواز ميخواند و مي خندد."کوليوند گفتم:"خب ديوانه است ديگه! هر وقت زمانش شد بفرستيدش تيمارستان." صبحي (رئيس زندان) آمد) از چشم بندم يك نخ کشيده بودم و سايه ها را ميديدم.با دستش اشاره کرد که مرا داخل دفتر ببرند .پشت سر صبحي وارد دفتر شد.صبحي پشت ميزش نشست و گفتم :سگ کمونيست حالا به خواهران ما توهين ميکني ؟مثل اينکه متوجه نيستي که کجا هستي .ساواکي ها شرف دارن به کثافت هايي مثل شما سگ کمونيست هاي نجس.انها حداقل مي فهمند توبه يعني چه.تو کثافت چي ؟حيف نون که به شما نجس ها ميدهيم .بايد بيندازيم جلو سگ ها .فکر نميکنم حتي سگ ها هم شما نجس ها را تکه پاره کنند."و از پشت ميزش بلند شد و بطرفم

**قرنطینه (قسمت دوم)
فرخنده آشنا**



نادري به کمک بختياري آمد و لگدي به من زد و بختياري را کشيد و از سلول برد. من تازه به خودم امدم که چه کرده ام .تمام تنم ميلرزيد. با خودم تکرار کردم : بي شرف ها! يکي از زنداني ها فریاد زد : "دائم مي آئيد سلول و زنداني را ميزنيد.شما ها حق اين کار را نداريد." اي داد اين ديگر کي بود.شرابط را دارد بدتر ميکند.حالا ديگر از عواقب کارم ترسيده بودم . چرا نتوانسته

وضعیت حقوق بشر در ایران (قسمت اول)
مرضیه آدمی فعال حقوق بشر و فعال حقوق زنان



این روزها سرزمینمان تشنه ی فهم است با درودی گرم خدمت همنوعان گرامی عزیزان همانطور که همگی کمابیش در جریان اوضاع ایران در این روزهای بحرانی هستید و تنها چیزی که برای حاکمان و مسئولان و روسای نالایق کشورمان در این 41 سال حکومتشان ، هیچ اهمیتی نداشته و ندارد، جان و زندگی مردم در ایران است و رژیم دیکتاتور و ضد بشری به این فشارهای جانکاه بسنده نکرده و پا را از این فراتر گذاشته و برای ایجاد رعب و وحشت و قدرت نمایی هر چه بیشترشان بجان زندانیان سیاسی و عقیدتی افتاده و اعدامها را سرعت بخشیده و هر روز بخصوص در مناطق کردنشین در کردستان چندین نفر را که گاه

در موقع ارتکاب جرم سنشان کمتر از 17 سال داشته اند، در همین یک هفته اخیر پای چوبه های دار برده و اعدامشان کردند و این جنایتکاران گویا تصمیم ندارند دست از کشت و کشتار و شکنجه و اعدام و سرکوب مردم حق طلب ایران بردارند . و چنین شرایط دردناکی مرا بر آن داشت که گزارش ماهانه فروردین 99 را از گزارشگر حقوق بشر را تقدیمتان کنم، تا شما عزیزان را بیشتر در جریان ظلم و ستم جباران و ظالمان حاکم قرار دهم ، تا شما هم به سهم خود به اطلاع جهانیان برسانید تا شاید قدمی برداشته باشیم برای رساندن صدای دادخواهی همنوعانمان در ایران.

خبرگزاری هرانا – آنچه در پی می آید گزارش ماهانه و اجمالی از وضعیت حقوق بشر در ایران در دوره زمانی فروردین ماه ۹۹ است که به همت نهاد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران تهیه شده است، این گزارش با توجه به حجم محدود آن و نیز به دلیل عدم اجازه فعالیت گروه های مستقل مدافع حقوق بشر در ایران نمی تواند بازتاب بی نقص وضعیت حقوق بشر در ایران باشد.

لازم به یادآوری است بخش آمار این تشکل به صورت سالانه گزارش مفصل تر خود را به اشکال آماری و تحلیلی از وضعیت حقوق بشر در ایران منتشر می کند.

خلاصه آنچه گذشت

اخبار نقض حقوق بشر در فروردین ماه ۹۹ با قریب به ۵ مورد اعدام، محکومیت های متعدد، احضارها، نقض گسترده حقوق زندانیان، نقض پایدار آزادی بیان، تجمعات کارگران به خصوص در زمینه معوقات مزدی و موارد دیگری که در استان های مختلف رخ داد، همراه بود. این گزارش بر مبنای اطلاعاتی گردآوری شده که صحت آن ها به احراز رسیده است.

اعدام

فروردین ماه با ۵ مورد اعدام همچنان بازگو کننده نقض حق حیات در دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ایران است. از مهمترین رویدادها در این باره می توان به اجرای حکم مصطفی سلیمی در زندان سفز اشاره کرد. همچنین در ۲۷ فروردین ماه، حکم اعدام یک زندانی که پیشتر از بابت اتهام «قتل» به اعدام محکوم شده بود، در زندان همدان به اجرا درآمده است.

در ماهی که گذشت برای چهار متهم از بابت اتهام به «قتل» حکم اعدام صادر شد که از مهمترین آن ها میتوان به صدور حکم اعدام در ملاء عام، زندان و شلاق برای یک متهم در خراسان رضوی اشاره کرد. در گزارشی دیگر نیز اعترافات یک متهم جدید در زندان اردبیل به ارتکاب قتل و سرقت مسلحانه، روشن کرد که دو سال پیش فردی بی گناه در خصوص همین پرونده اعدام شده است. همینطور حکم اعدام یک زندانی که پیشتر از بابت اتهام «قتل» به اعدام محکوم شده بود، در تاریخ ۱۹ اسفندماه ۹۸ در زندان زنجان به اجرا درآمده است.

لازم به ذکر است هرانا در خصوص حدود ۵۰ زندانی محکوم به اعدام در بند سه گانه ۱۱ زندان تبریز گزارشی را تهیه نموده است که در این گزارش لیستی از اسامی زندانیان محکوم به اعدام که عمدتاً با اتهام «قتل» به اعدام محکوم شده و در این بند نگهداری می شوند، آمده است. هرانا در پی بررسی های تکمیلی جزییاتی از اعدام یک زندانی در این محل که تاکنون

طنز از:
نیلوفر

داشتم فکر میکردم چرا باید بین زندگی دو نفر در دو گوشه ی دنیا اینقدر تفاوت باشد!! ما در مدرسه هایمان هیچوقت کلاس رقص و باله نداشته ایم!!

هیچوقت کارگاه نجاری نداشته ایم!! ما هیچوقت کلاسی با تمامی آلات موسیقی نداشته ایم!!

ما هیچوقت در سلف مدرسه نچرخیده ایم تا در ظرفهایمان خوراکی های خوش آب و رنگ بریزند تا با اکیمان سر میزی بخندیم و شاد باشیم و از پسر خوش قیافه ی تازه وارد یا درمورد دختر مشهور و باهوش مدرسه صحبت کنیم..

ما هیچوقت پارٹی آخر سال نداشته ایم!! ما هیچوقت روز آخر مدرسه کلاه هایمان را به هوا نینداخته ایم!!

ما همیشه بازخواست شده ایم؛

برای ناخن هایمان؛

برای موهایمان؛

برای.. ما هرگز نفهمیدیم تمیز بودن صورت چه منافاتی با شخصیت آدم دارد!!؟

ما پدرمان در آمد بس که موهایمان را از ته تراشیدیم

ما هرگز نفهمیدیم جنس مخالف شاخ و دم ندارد و مثل ما آدم است و میتوان با او بدون فکرها و نیت های شوم دوست شد و به او اعتماد کرد.

راستش جنس مخالف هم هرگز این را نفهمید!!

ما شیرین ترین روزهای نوجوانی مان با کاپوس کنکور هدر رفت!!

بهترین روزهای جوانیمان با سر بازی!!

ولی کسی به ما نگفت تو دیگر ۱۷ ساله نمیشوی!!

ما قربانی خواسته هایی شدیم که پدر و مادرمان هرگز به آن نرسیدند!!

هیچکس به ما نگفت جامعه هنرمند بیشتر میخوهد تا مهندس!!

هیچکس نفهمید شب ها با رویای ساز یا بوم نقاشی به خواب میرویم!!

هیچکس به ما نگفت موفقیت پزشکی و مهندسی و وکالت نیست!!

و هیچوقت نفهمیدیم انسان بودن؛ ربطی به «با کدام پا وارد دستشویی شدن» ندارد!!

و.. هیچکس به ما یاد نداد عاشق شدن را!!

آزادی اندیشه و بیان

در فروردین ماه عبدالرشید ریگی از روحانیون اهل سنت، سعید احمدی، یک شهروند در سنج، دو شهروند در ماکو و امیر چمنی فعال مدنی ساکن تبریز بازداشت شدند. علیرغم گذشت بیش از ۵ ماه از بازداشت روح الله زم، خانواده وی کماکان در بی خبری از سرنوشت او به سر می‌برند. به گفته پدر روح الله زم، او از زمان بازداشت تاکنون تماسی با خانواده نداشته و درخواست کتبی خانواده جهت ملاقات با وی نیز بی نتیجه مانده است. در همین راستا سخنگوی قوه قضاییه گفت: «رسیدگی به فاز دوم پرونده روح الله زم آغاز و کیفرخواست تعدادی از افراد مرتبط به دادگاه ارجاع شده است».

در ماه سپری شده محکومیت‌های متعددی صورت گرفت که از مهمترین آن‌ها می‌توان به محکومیت امیرحسین میرخلیلی به ۱۳ سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق، اسماعیل بهلولی به ۱۸ سال حبس، هاشم خواستار به ۱۶ سال حبس و ۲ سال تبعید به شهرستان نیکشهر و ۲ سال ممنوعیت خروج از کشور، محمد نوری زاد به ۱۵ سال حبس و ۲ سال تبعید به ایذه و ۲ سال ممنوعیت خروج از کشور، محمد حسین سپهری به ۶ سال حبس، فاطمه سپهری به ۳ سال و شش ماه حبس تعزیری، بابک دادبخش به ۲۵ سال حبس تعزیری، محمد داوری به ۸ سال و شش ماه حبس تعزیری، رشید ناصرزاده به ۶ سال حبس، کامران ساختمانگر به ۵ سال حبس تعزیری و همچنین ابوالفضل نژادفتح به ۶ سال حبس محکوم شدند.

به‌طور خاص طی دو ماه اخیر روند صدور احکام غیرمعمول در کنار احکام حبس برای فعالان سیاسی افزایش یافته است. شستن میت، رونویسی از قرآن، خدمت در بسیج، خواندن کتاب‌های کشته شدگان نظامی ایران در سوریه، مطالعه در مورد حجاب، تحقیق در مورد «جنایات» آمریکا تنها نمونه‌هایی از این احکام هستند که در کنار احکام حبس به‌عنوان مجازات تکمیلی اعلام شده‌اند.

در ۲۴ فروردین ماه، قاسم عطایی عظیمی به زندان بجنورد منتقل شد. همچنین آرش گنجی، علی عزیزی، شهرام صفری، شاپور احسانی راد و رحیم یوسف پور به دادگاه احضار شدند. جلسه دادگاه فریبا عادلخواه برگزار شد و از سویی دیگر جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات احسان سرابی در تاریخ ۱۲ اردیبهشت‌ماه ۹۹ برگزار خواهد شد.

همچنین کسری تبریزی، شاعر، ترانه‌سرا و دانشجوی رشته ژنتیک در مقطع کارشناسی ارشد طی ابلاغیه‌ای به شعبه دوم دادگاه انقلاب زاهدان احضار شد. بر اساس این

ابلاغیه که در تاریخ ۲۶ بهمن‌ماه ۱۳۹۸ صادر شده است، وی باید در تاریخ ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۹ در شعبه دوم دادگاه انقلاب زاهدان به ریاست قاضی سیدجواد موسوی حاضر شود. آقای تبریزی همچنین بر اساس ابلاغیه‌ای دیگر باید در تاریخ ۱۹ فروردین‌ماه ۱۳۹۹ در شعبه ۱۰۶ دادگاه کیفری دو زاهدان به ریاست قاضی محمدرضا خداوردی حاضر شود.

در ماهی که سپری شد دستکم پنج شهروند نیز به صورت تلفنی به اداره اطلاعات شهرستان سرباز در استان سیستان و بلوچستان احضار شدند.

زندان

یکی از خطرناک‌ترین کانون‌های شیوع ویروس کرونا زندان‌ها هستند. قشر زندانیان کمتر مورد توجه افکار عمومی و مسئولین قرار می‌گیرند. پذیرش زندانی جدید بدون طی دوره قرنطینه و تاخیر در بررسی پرونده‌های زندانیان برای اعزام آنها به مرخصی علیرغم شیوع کرونا در کشور، موجبات اعتراض زندانیان کشور را فراهم آورده است. بسیاری از زندانیان مشمول اعزام به مرخصی بر اساس بخشنامه‌های اخیر قوه قضاییه، از احقاق این حق محروم مانده‌اند. حق درمان و رسیدگی پزشکی همواره از مهمترین موارد نقض حقوق زندانیان در ایران به شمار می‌رود. در فروردین ماه دو زندانی مبتلا به ویروس کرونا در سلول‌های انفرادی زندان قرچک ورامین و یک زندانی در زندان تهران بزرگ جان خود را از دست دادند. همچنین ابتلا به این بیماری مرگ بار در زندان در سایه بی توجهی مسئولان، حسن جوادی ومهدی ربیعی را به کام مرگ کشاند.

دستکم ۷ زندانی از جمله شایان سعیدپور جهت اجرای حکم اعدام به سلول انفرادی منتقل شدند. متأسفانه یک زندانی بیمار در زندان قزلحصار یکشنبه ۳۱ فروردین، دست به خودکشی زد. فاطمه خویشوند معروف به «سحر تیر» پس از مثبت بودن نتیجه آزمایش کرونا در پی وخامت حال جسمی، روز سه شنبه ۲۶ فروردین‌ماه از بخش قرنطینه زندان زنان شهرری به همراه چند تن دیگر از زندانیانی که وضعیت مشابه داشتند به بیمارستان خارج از زندان منتقل شد و نتایج آزمایشات مشخص کرد هر دو ریه وی درگیر شده است. در فروردین‌ماه دانیال زین العابدین، یکی از متهمان پرونده جنجالی قتل صادق برمکی به صورت پرابهامی در زندان میان‌دواب جان باخت. علیرغم اصرار مراجع قضایی مبنی بر نسبت دادن مرگ این متهم به خودکشی در زندان، فرضیه‌های متفاوتی از جمله قتل وی مطرح شده است.

متأسفانه در زندان‌های پر تراکم ایران موازین بهداشتی رعایت نمی‌شود و بسیاری از زندانیان چنان نگران شیوع کرونا بوده‌اند که با اقدام به فرار کرده یا دست به شورش زده‌اند. در ماهی که سپری شد هرانا گزارشی در خصوص این ناآرامی‌ها از زندان‌های شیبان و سپیدار اهواز، عادل آباد شیراز، سقز، الوند همدان، مهاباد، تبریز، پارسیلون خرم‌آباد و الیگودرز را تهیه نموده است. در نخستین روز امسال حمید کشکولی، فرماندار الیگودرز گفته بود که «زندانیان الیگودرز در یک اقدام خودسرانه و غیرقانونی اقدام به اعتراض در داخل زندان کرده بودند که نشر این خبر به بیرون از زندان موجب نگرانی برخی شهروندان شده بود». حدود ۸۰ تن از زندانیان محبوس در زندان سقز، پس از درگیری با نیروهای کادر زندان، از این زندان گریختند. در همین خصوص یک درگیری دیگر میان زندانیان و زندانبانان زندان پارسیلون خرم‌آباد رخ داد. مقام‌های محلی و قضایی تأیید کردند که ۲۳ نفر از زندانیان از زندان پارسیلون خرم آباد گریخته‌اند. شماری از زندانیان محبوس در زندان عادل آباد شیراز و زندان شیبان اهواز نیز دست به اعتراض زده و با نیروهای کادر زندان درگیر شدند. در پی اعتراضات اخیر در زندان‌های اهواز تعدادی از زندانیان با شلیک نیروهای امنیتی زخمی شده و جان خود را از دست داده‌اند. همچنین در جریان تجمع خانواده زندانیان زندان شیبان اهواز تعدادی از معترضان حاضر در تجمع با شلیک مستقیم نیروهای امنیتی زخمی شده‌اند. هرانا موفق به احراز هویت ۴ تن از زندانیانی شده است که جان خود را از دست داده‌اند. محمد تامولی طرفی، رضا خراسانی، محمد سلامات و شاهین زهیری از کشته شدگان اعتراضات شیبان اهواز هستند. بعلاوه شماری از زندانیان در زندان‌های الوند همدان و مهاباد دست به اعتراض زدند. بنا به برخی گزارش‌ها اعتراض در زندان همدان منجر به درگیری مسلحانه و فرار زندانیان شده است. باشگاه خبرنگاران جوان نیز از خفگی دو تن از زندانیان در دود حاصل از آتش سوزی و جان باختن آنان خبر داد. گزارش‌هایی از درگیری مسلحانه و مرگ یک زندانیان در زندان مهاباد نیز منتشر شده است. در فروردین‌ماه هرانا گزارشی بسیار جامع در خصوص اتفاقات اخیر در زندان‌های کشور که همگی از شیوع ویروس مرگبار کرونا و سوء مدیریت این بحران توسط مسئولین زندان‌ها و مراجع مربوطه نشأت گرفت، تحت عنوان «بیم و هراس‌ها؛ گزارش جامع بحران کرونا در زندان‌های مختلف» منتشر کرد.

خدمات درمان برای زندانیان محبوس طبق روال همیشگی مورد توجه مسئولین قرار نمی‌گیرد، این امر یکی از مهمترین موارد حقوقی نقض شده یک زندانی است.

از این قرار سهیل عربی، محمد بنزاده امیرخیزی از دریافت خدمات درمانی محروم مانده‌اند.

کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل با انتشار بیانیه‌ای خواستار آزادی زندانیان عقیدتی شدند. علیرغم خطرهای موجود، محرومیت زندانیان عقیدتی و سیاسی از اعزام به مرخصی به وفور گزارش شده است که از مهمترین آن‌ها میتوان به امیر سلیمی اقدم در زندان اوین، سهیل عربی در زندان تهران بزرگ و مخالفت با مرخصی جعفر عظیم زاده همزمان با تشکیل پرونده جدید وی در زندان اوین اشاره نمود.

سعید سنگر از حدود ۲۰ سال پیش در زندان ارومیه بسر می‌برد. در حالی که دوران محکومیت وی به اتمام رسیده و حدود یک سال و نیم، بیش از دوران محکومیت تحمل حبس کرده است، همچنان از آزادی او جلوگیری می‌شود و طی ماه اخیر از بابت پرونده‌ای که در دوران حبس برای وی گشوده شده است، به ۱۵ سال حبس تعزیری دیگر محکوم شد.

دادستانی با آزادی سعید شیرزاد، زندانی سیاسی در زندان رجایی شهر کرج علیرغم پایان یافتن دوره محکومیت شش ساله وی مخالفت کرد. در همین راستا با آزادی رحیم محمودی آذر، زندانی سیاسی در زندان ارومیه نیز مخالفت شد.

چهار شهروند اهل شهرستان بوکان نیز حدود ۱۳ ماه پیش بازداشت شده و همچنان بصورت بلا تکلیف در زندان این شهر به سر می‌برند.

همچنین ۳۱ تن از زندانیان اهل سنت در سالن ۲۱ اندرزگاه ۷ زندان رجایی شهر کرج در شرایط نامساعد در حال سپری کردن مدت محکومیت خود هستند. کمبود امکانات بهداشتی در زندان در شرایط شیوع ویروس کرونا در کشور موجب نگرانی این زندانیان شده است. برخی از این شهروندان که عموماً محکومیت‌های طولانی مدت خود را در این زندان بصورت تبعیدی سپری می‌کنند، به بیماری‌های متفاوتی از جمله تنگی نفس، آرتروز، دیسک کمر و گردن مبتلا شده‌اند. موقعیت مکانی این سالن و رطوبت بسیار بالای بند، عموم زندانیان ساکن را درگیر بیماری‌های تنفسی کرده است. همچنین آب ناسالم زندان موجب بروز ناراحتی‌های کلیوی در برخی از آنان شده است.

برخی زندانیان در دوران بازداشت و یا

حبس خود در کنار مشکلات هر روزه زندان به ناچار برای شنیده شدن دادخواهی‌شان دست به اعتصاب غذا می‌زنند. از مهمترین اعتصابات زندانیان در این ماه میتوان به ابراهیم صدیق همدانی و سالار صدیق همدانی در زندان ارومیه، یازده زندانی سیاسی در زندان ارومیه، دو زندانی در بند ۱۲ زندان تبریز و سهیل عربی در زندان تهران بزرگ اشاره کرد.

سهیل عربی در ۲۶ فروردین‌ماه از بند خارج شده و به بازداشتگاه اطلاعات سپاه منتقل شد. وی در تاریخ ۳۱ فروردین مجدداً به زندان برگردانده شد.

در ماهی که گذشت شاکر بهروزی و محمدراسق قزلباش، دو متهم سیاسی در زندان ارومیه به بند سیاسی این زندان منتقل شدند. همچنین امیر سلیمی اقدم به همراه ۵۱ تن از زندانیان سیاسی و امنیتی دیگر به اندرزگاه ۴ زندان اوین منتقل شدند. این انتقالات برخلاف اصل تفکیک جرائم صورت گرفته است. همینطور جواد حسینی نژاد بدون رعایت اصل تفکیک جرائم در زندان وکیل آباد مشهد بسر می‌برد.

فاطمه اسماء اسماعیل زاده زندانی سیاسی به دلیل عدم توانایی در تامین قرار وثیقه به زندان بیرجند منتقل شد. در همین راستا خانم سکینه پروانه نیز به دلیل عدم توانایی مالی در تامین قرار کفالت ۵۰ میلیون تومانی با وجود اتمام مراحل بازجویی، در بازداشت بسر می‌برد.

چهار زندانی سیاسی در زندان ارومیه به بازداشتگاه اداره اطلاعات این شهر منتقل شدند. انتقال این زندانیان سیاسی بیم طرح اتهامات جدید علیه آنها توسط این نهاد امنیتی را به وجود آورده است. همچنین امیر چمنی، فعال مدنی به بازداشتگاه اطلاعات سپاه تبریز منتقل شد. در همین راستا شماری از زندانیان محبوس در زندان شبیان اهواز در ارتباط با اعتراضات و درگیری‌های اخیر این زندان، به بازداشتگاه اداره اطلاعات منتقل شدند.

آتنا دائمی، کنشگر مدنی محبوس در زندان اوین بار دیگر از بابت پرونده‌ای که مجدداً در دوران حبس علیه وی گشوده شده به دادگاه احضار شد. وی از حضور در جلسه دادگاه امتناع ورزید.

اقلیت های ملی و مذهبی

انتیک ها در فروردین‌ماه نیز زیر فشار فزاینده بازداشت‌ها و احضارها بودند.

در این ماه سه شهروند در ارومیه و مریوان، پنج شهروند در شادگان، یک شهروند در سقز و چهار شهروند در خوزستان بازداشت شدند. همچنین یک شهروند در سنندج به سه ماه و یک روز حبس تعزیری، محکوم

شد. اعمال فشار و تهدید اقلیت‌های مذهبی در این ماه نیز ادامه داشت. از مهمترین خبرهای گزارش شده در این حوزه میتوان به تبعید حیدر تیموریاز در اویش گنابادی، با دستبند و پابند پس از آزادی از زندان ایلام به شهرستان خاش اشاره نمود. از این قرار بابک مرادی، درویش گنابادی نیز جهت اجرای حکم تبعید احضار شد.

حقوق کودک

در پی شیوع ویروس کرونا، مدارس سطح کشور شیوه آموزش از راه دور را برگزیدند. شیوه آموزش از طریق فضای مجازی خیلی سریع به تجربه‌ای ناموفق و تبعیضی مضاعف بدل شد و شکاف‌های نابرابری آموزشی را عمیق‌تر کرد. اگرچه در برخی مدارس دانش آموزان توانستند آموزش غیر حضوری را تجربه کنند اما بر اساس برآورد های آموزش و پرورش دستکم سی درصد دانش آموزان به اینترنت و تلفن همراه هوشمند، تبلت یا لب تاب دسترسی ندارند و در خانواده هایشان هم کسی این امکانات را ندارد و یا اینکه برای دسترسی به این حداقل‌ها باید خطرات متعددی را متقبل شوند. برای مثال دانش آموزان روستای دشتک مرودشت به دلیل نداشتن پوشش مناسب اینترنتی ناچارند در کنار خطرات طبیعی گردنه دشتک، خطر ترک منزل و ویروس کرونا را نیز برای استفاده حداقلی از اینترنت به جان بخرند.

همزمان با صدور قرار قبولی اعاده دادرسی، پرونده آرمان عبدالعالی، کودک مجرم محکوم به اعدام، بار دیگر در شعبه ۵ دادگاه کیفری استان تهران مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت. آقای عبدالعالی متهم است در سال ۹۲ در حالی که کمتر از ۱۸ سال داشته غزاله شکور را به قتل رسانده است. در فروردین‌ماه امسال یک کودک ۱۲ ساله عشایر بر اثر انفجار یک مین بر جای مانده از جنگ ایران و عراق در مناطق مرزی استان خوزستان، و یک کودک چوپان ۱۲ ساله در نزدیکی پادگان فرجوان اهواز در این استان، از ناحیه ی پا دچار قطع عضو شدند. از سویی دیگر ۶ نوجوان در شیراز مجموعاً به ۴۶۸ ضربه شلاق، حبس و مجازات دیگر محکوم شدند.

در ماهی که گذشت یک کودک ۴ ساله ساوجی در بیمارستانی در شهر ساوه به دلیل تزریق اشتباه

جان خود را از دست داد. در سایه عدم اجرای حفاظ استاندارد و نصب علائم هشدار دهنده و تجهیزات ایمنی، یک کودک ۵ ساله در کانال آب در قهدریجان و یک کودک ۸ ساله در یک گودال پر از آب غرق شدند.

از مهمترین اخبار فروردین‌ماه در این حوزه میتوان به خودکشی یک دختر ۱۲ ساله در ایلام به علت فقر مالی اشاره کرد.

در ضمن معلم خاطی مدرسه رستم آباد رودبار استان گیلان که اسفندماه سال ۹۷ با تنبیه بدنی و ضرب و شتم یک دانش آموز موجب نقص عضو او شده بود، به پرداخت دیه محکوم شد.

ستون آزاد

وضعیت بهائیان در ایران

امیر حسین مقدم ، شهروند بهائی

در این متن به گوشه ای از فشار هایی که به بهائیان داخل ایران وارد می شود خواهیم پرداخت .

به نظر می رسد تمام فشار هایی که به بهائیان وارد می شود برای این است که دست از عقاید خود بردارند و توبه کنند و همچنین جلوی گسترش و نفوذ آن ها را بگیرند.

برای مثال به بهائیان اجازه داده نمی شود با دیگران راجع به عقاید دینی خود صحبت کنند و به تهمت ها و اکاذیبی که به آن ها زده می شود پاسخ دهند . نه تنها بهائیان حتی حق برگزاری رسومات خود از جمله دویستمین سالگرد تولد حضرت باب بنیان گذار آیین بهایی را در ایران نداشتند بلکه بعضی از افراد بهایی را به این بهانه دستگیر کردند آن هم بدون هیچ گناهی.

رسانه های دولتی از مجله و روزنامه و رادیو و تلویزیون گرفته تا سایت های اینترنتی بدون تعهدی به حقیقت ، این دیانت الهی را مورد حمله قرار می دهند و به آن هایی همچون: جاسوس اسراییل ، عامل تفرقه ، برهم زننده امنیت ملی و بی اعتقاد به اصول اخلاقی می دهند .

این فضا برای عاملان تعصب ، فضای تیره و مه الودی ایجاد می کند تا در آن بتوانند کار های ناپسند خود را توجیه کنند و به اقدامات خود علیه بهائیان ادامه دهند . به هرحال بهائیان همچنان به خاطر اعتقادات مذهبی خودشان همچون سعید رضایی بازداشت می شوند و سالیان زیادی را در

آن ها در مدارس و کتاب های درسیشان تلقین می شود . و بعد از آن هم آن ها حق ورود به دانشگاه را ندارند و در جواب امتحانات آنان نقص پرونده می خورد . با آن که در برخی موارد که ورود به دانشگاه برایشان مجاز می شود قبل از آنکه درسشان تمام شود آن ها را اخراج می کنند .

یکی از چیز هایی که باعث نگرانی عمیق مجامع حقوق بشر است خیزش دوباره انجمن حجتیه است است که اساسا به این هدف تاسیس شده که نه تنها دین بهایی بلکه خود بهائیان را ریشه کن کند . اخیرا موضع ضد بهایی این انجمن گسترش پیدا کرده و فعالیت های ضد سنی و ضد صوفی را هم دربر گرفته است .

باتوجه به اینکه دولت با استفاده از اتاق بازرگانی و سایر سازمان های وابسته به دولت مشغول تهیه فهرستی از بهائیان و مشاغل و حرفه های آن ها و جمع آوری سایر اطلاعات درباره بهائیان است ، باید گفت این رشته سر دراز دارد .

*** توجه**

توضیح مدیر مسئول نشریه در خصوص ستون آزاد:

باتوجه به اینکه نظراتی در سطح جامعه مطرح میشوند که نیازمند پاسخگوئی و حلاجی در برخورد آزادانه عقاید دارد و بعضا این نظرات مغایر با اهداف و سیاستهای رهائی زن نیز هستند ، و یا صحت و سقم آن را نمی تواند تایید کند اینگونه نظرات در "ستون آزاد" منتشر میشود .

زندان های ایران به دور از خانواده هایشان می مانند . دولت آن ها را به نقض مواد 500 و 689 قانون مجازات اسلامی یعنی اقدام علیه نظام و نشر اکاذیب متهم می کند . در بعضی از مورد این افراد بدون رفع اتهام آزاد می شوند اما هر لحظه نگران هستند که چه موقع دوباره دستگیر می شوند . بیشتر آن ها مجبور هستند جریمه های سنگینی را بپردازند یا برای آزاد شدن وثیقه های هنگفتی را بگذارند ، آن هم بدون هیچ گناهی . وثیقه هایی همچون : سند مالکیت ، ضمانت شخصی و پروانه کار که مبالغ آن ها بسیار زیاد است .

همچنین دولت اماکن بهایی مثل گورستان ها ، اماکن تاریخی ، مراکز اداری ، سایر اداری آن ها را تصرف می کند و خیلی از آن ها را تخریب کرده است . بهائیان حق ندارند مرده های خودشان را دفن و یا برای آن ها سوگواری کنند .

علاوه بر آن برای بهائیان که می خواهند به کسب و کار بپردازند هم محدودیت های زیادی وجود دارد . این کسب کارها هم خیلی مواقع با توسل به زور تعطیل می شود . از طرف دیگر مدیران شرکت های خصوصی را تحت فشار قرار می دهند تا بهائیان که استخدام کردند را اخراج کنند .

بهائیان در صنف های مختلف در سراسر کشور با مشکلات زیادی روبه رو هستند . مشکلاتی همچون : مزاحمت های شخصی ، دریافت نامه و پیام های تهدیدآمیز از جمله این آزار و اذیت ها است .

همچنین بچه ها مورد اذیت و آزار از طرف مختلف قرار می گیرند و اعتقادات اسلامی به



امی روز جهانی کارگر

کاری از: مریم "رونیا" رضائی کوی



در استقبال از اول ماه مه در سقز

شماری از فعالین کارگری در شهرستان سقز با طرح مطالبات کارگران از جمله آزادی زندانیان سیاسی و کارگران زندانی و... که در پارچه نوشته آنها آمده است، به استقبال از اول ماه مه روز جهانی طبقه کارگر رفتند.



عفو بین الملل: ایران و عربستان سعودی، رکورددار اجرای حکم اعدام در خاورمیانه در سال ۲۰۱۹

سازمان عفو بین الملل در گزارشی که روز سه شنبه منتشر شد اعلام کرد میزان اجرای حکم اعدام در عربستان سعودی در سال ۲۰۱۹ افزایش بی سابقه‌ای یافته و به ۱۸۴ نفر رسیده است.

توضیح نقاشی از: مریم (رونیا) رضائی گیوی

بیانیه جمعی از فرهنگیان اصفهان در رابطه با اخراج معلم آزاده محمد حبیبی

بیش از ۴۰ سال است که بر خلاف خواسته ملت در انقلاب سال ۵۷ هر فریادحق طلبانه سر کوب و حق طلبان به بند کشیده میشوند و مورد شنیع ترین و شدید ترین ازارها قرار میگیرند. چه انسان های پاک و جان های شایسته ای که به ناحق در این سال ها قربانی بیداد و ستم نگشتند. این بار تیغ جهل و ستم بر جان و پیکر معلم آزاده و حق طلب محمد حبیبی نشست و پس از صدور حکم زندان و شلاق رای به اخراج ایشان داده اند ، اعتراض آقای حبیبی به روند پولی شدن تحصیل و کالایی شدن آموزش حرف همه معلمان آزاده و دلسوز این سر زمین است بنابراین ما معلمان ضمن حمایت کامل از اعتراض آقای حبیبی همه احکام صادره علیه این انسان آزاده را محکوم و خواهان آزادی بی قید و شرط و باز گشت وی به کار می باشیم .



"اشکان" جوانی که به تنهایی برای مقابله با کرونا برخاسته است

ساکن شهر کانی دینار شهرک جوجه سازی به مقابله با کرونا برخاسته و تنهایی اقدام به ضد عفونی و گندزدایی محلات و درب منازل نموده، لذا از همه هم محلی و هم شهری های اشکان خواشمندیم که کمیته مردمی محلات در شهر کانی دینار را تشکیل بدهند و به یاری او بشتابند.



یادداشت ماری محمدی محکوم به زندان و شلاق: ما همچنان ایستاده ایم!

در این پرونده پس از «ماری محمدی که به سه ماه حبس و ده ضربه شلاق محکوم شده در توئینز نوشته است: تحمل انواع شکنجه‌ها و ۴۶ روز حبس در شرایط بسیار اسفناک وزرا و قرچک، به سه ماه و یک روز حبس و ۱۰ ضربه شلاق محکوم شدم.

«بخاطر اعتراض علیه کشتار

«بخاطر همدردی با خانواده‌های کشته‌شدگان هواپیمای اوکراینی

«بخاطر دفاع از حقوق همه انسانها

در پرونده هیچگونه مدرکی در خصوص کیفرخواست صادره (اخلال در نظم و آسایش عمومی از طریق شرکت در تجمع غیرقانونی (ویژه تجمع دی ماه ۱۳۹۸ هواپیمای) وجود نداشت. حتی از منظر قوانین جمهوری اسلامی باید تبرئه میشدم اما نه تنها به حبس بلکه به شلاق هم محکوم شده‌ام. البته ناگفته نماند که با توجه به اینکه پیش از صدور حکم، انواع و اقسام شکنجه‌ها را - که در هیچ یک از قوانین ذکر نشده و اتفاقا خود آن اعمال جرم تلقی میشوند - را خود و خانواده‌ام متحمل شدیم، در صورتیکه حتی اگر تبرئه هم میشدم، این تبرئه یک تبرئه واقعی نبود. نظر به اینکه دادگاه‌های تجدید نظر به دادگاه‌های تایید نظر تبدیل شده، از اعتراض به حکم خودداری کردیم.

افتخار میکنم به همراهی و همدردی با انسانها در فضای حقیقی و خوشن خیابان. حبس و شلاق به مدت یک سال تعلیق شده است.

ما همچنان ایستاده ایم!



مطالب، نشریه ها و مصاحبه های تلویزیونی سازمان رهایی زن را می توانید از طریق آدرس های زیر دنبال کنید و با ما همراه باشید

سایت نشریه رهایی زن

<https://rahaizanorg.blogspot.com>

آرشیو مقالات

<http://rahai-zan.blogspot.com>

برنامه های تلویزیونی و مصاحبه ها

<https://www.rahaizan.tv>

تلگرام رهایی زن

@rahaizan

تلویزیون رهایی زن از "کانال یک" روی ماهواره "هات برد" هر هفته دوشنبه ساعت 20:30 و چهارشنبه ساعت 15:00 بازپخش برنامه به وقت تهران می توانید پند

تلویزیون رهایی زن باشید.

فرکانس ماهواره:

Chanel One- Hatberd

HoT BIRD

Frequency 11541 vertical

Symbol Rate: 22000

PoI V

FEC 5.6



برای همکاری و تماس با نمایندگان سازمان رهایی زن در کشورهای مختلف

نروژ: شادی و رویاک مطیعی

تلفن تماس: 004790474027

ایمیل: motiei_rojan@yahoo.com

سن دیگو جنوب کالیفرنیا: فیروزه فرهی

تلفن تماس: 858-531-1344

ایمیل: firouzeh.farrahi@yahoo.com

Location: 5240 fiore TER #213

San Diego"Ca 92122

جلسات کانون رهایی زن هر دوماه یکبار برگزار میشود و از طریق فلایر و ایمیل به اطلاع همگان خواهد رسید.

دیگر نقاط آمریکا: مینو همتی

ایمیل: MinoHemati@GMail.com

سوئد-استکهلم: رعنا کریم زاده

تلفن تماس: 0046739286842

گوتنبرگ: وریا نقشبندی

تلفن تماس: 0046705827583

0046705827583

ایمیل: verya.1360@gmail.com

سارا مرادی

تلفن تماس: 0046704499853

ایمیل: sara_tina2003@yahoo.com

آلمان: شراره رضانی

تلفن تماس: 00491737237038

ایمیل: Sharahrezaei.p@gmail.com